

صبر اجتماعی در قرآن کریم*

□ رضا علی نوروزی^۱

□ فاطمه رمضانی^۲

□ احسان یاوری^۳

چکیده

صبر از فضایل مورد تأکید در اسلام می‌باشد؛ که بیش‌تر از زاویه فردی - اخلاقی، مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که صبر از سهم و جایگاه بالایی در تربیت افراد برای زندگی اجتماعی برخوردار است. بهره‌مندی از این جایگاه، در ابتدا نیازمند پاسخ به این سؤال است که «صبر اجتماعی به چه معناست، غرض از آن، و مصادیق آن چیست؟»، پاسخی که پژوهش حاضر با استناد به آیات قرآن و تفاسیر معتبر شیعی، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی در پی آن بوده است.

نتایج حاصل از این پژوهش بیان‌گر آن است که این نوع از صبر با حضور فرد در اجتماع و در ارتباط با افراد دیگر معنی می‌یابد، و در حفظ ثبات و ارتقاء اجتماع مؤثر می‌افتد و به شکل مستقیم و غیرمستقیم زندگی فرد را متأثر می‌سازد. این نوع از صبر را می‌توان به دو نوع کلی تقسیم کرد: صبر در برابر افراد اجتماع، و صبر در برابر مسائل اجتماع؛ که صبر در برابر افراد نیز بر دو

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۱.

۱. هیأت علمی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول)

۳. دانشجوی حقوق دانشگاه قم

نوع است: صبر مشفقانه و صبر مصلحانه. صبر در برابر مسائل اجتماع نیز به صبر بر دشواری کار و فعالیت اجتماعی، صبر بر دوری اهداف اجتماعی، صبر در برابر کمبودها و مشکلات در اجتماع، و صبر در برابر دسیسه‌ها و فشارهای روانی دشمن قابل تقسیم است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، صبر، صبر اجتماعی.

مقدمه

شخصیت انسان دارای ساحات و جنبه‌های مختلفی است. از جمله این ساحات که در میان همه انسان‌ها، به سبب فطری بودن آن، دارای اشتراک وجه است، اجتماعی بودن انسان است. علامه طباطبائی رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد: «اجتماعی بودن انسان، فطری و بی‌نیاز از اثبات است، زیرا انسان همواره اجتماعی زندگی می‌کرده و این چیزی است که تاریخ و آثار به جا مانده از زندگی انسان، از آن حکایت دارد و قرآن نیز در آیات متعدد از آن خبر داده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (حجرات/۱۳)؛ ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا﴾ (فرقان/۵۴) (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۹۲).

اما فطری بودن گرایش به زندگی اجتماعی در انسان، به معنای فطری بودن تمام نیازمندی‌ها و ملازمات این نوع از زندگی نیست، این بدان معناست که فرد برای زندگی اجتماعی، نیازمند تجهیز به انواع مهارت‌ها، آگاهی‌ها و منش‌هاست که صبر از آن جمله است.

صبر از جمله باارزش‌ترین فضیلت‌ها در آئین اسلام است. «از نگاه قرآن کریم جایگاه صبر تا حدی است که خداوند متعال در مدح انبیای اولوالعزم از آنان با وصف صابران یاد می‌کند.^۱ از اوصاف انسان‌های به فضیلت صبر در کلام حضرت حق می‌توان این نکته را نیز برداشت نمود که صابر بودن آنها برای آن است که مظهر اسمای حسنای خدای سبحان‌اند و یکی از نام‌های مبارک الهی صبور است که در دعای جوشن کبیر خداوند متعال به این نام و صفت خوانده

می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۷، ۶۰۲). دلیل دیگر بر ارزشمندی صبر در نزد خداوند این است که صابران تنها گروهی‌اند که هنگام ورود به بهشت، سلام ویژه دریافت می‌کنند.^۲

صبر فضیلتی است که با اراده‌ی عادی محقق نمی‌گردد و از این رو است که قرآن کریم صبر را در زمره‌ی عزم‌الامور می‌داند.^۳ «عزم‌الامور بدان معناست که انسان برای تحقق آن، باید عاقبت اندیشی، تدبیر، تفکر، استشاره کند تا به جزم برسد، به گونه‌ای که وهن، بی‌میلی، کراهت، تردید، شک و انزجار به اراده‌ی او راه نیافته و برای انجام آن مصمم شود. صبر، کاری عادی نیست تا انسان بتواند بدون تصمیم صبر کند، زیرا هر لحظه باید زمام نفس را بکشد تا مبادا تردید، کراهت و مانند آن، مرکز تصمیم‌گیری را موهون کند و آن را به جزع وادارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۷، ۶۴۵). بر این اساس صبر کاری سهل نیست که انتظار تجلی آن را در سلوک و رفتار افراد مختلف داشته باشیم.

صبوری افراد رابطه‌ای مستقیم با آگاهی‌شان از انواع صبر، ضرورت، مصادیق و جایگاه آن دارد؛ چرا که بدون این آگاهی‌ها، در هنگامه‌ای که نیاز به صبر و بردباری است، انسان نمی‌داند و یا ضرورتی احساس نمی‌کند که به صبوری پردازند. هر چند که صرف ایجاد آگاهی و تشخیص در افراد نیز، لزوماً به صبوری آنها منتهی نمی‌گردد. این بدان معنی است که ایجاد آگاهی شرط لازم است، اما شرط کافی نیست. شرط دیگر، قوت جسم و روح افراد است. فردی که طعم برخورد با موانع و مشکلات را نچشیده، و سراسر زندگی‌اش را در راحتی و بی‌مسئولیتی گذرانده، با داشتن آگاهی‌های لازم درباره‌ی صبر نیز قادر به صبوری نخواهد بود. بر این اساس می‌توان اذعان داشت که صبوری افراد ارتباط مستقیم با تعلیم و تربیت‌شان دارد.

اما از آنجا که تاکنون صبر صرفاً از زاویه‌ی فردی و اخلاقی مورد توجه واقع شده، و به عنوان یک منش اجتماعی دیده نشده است و به تبع آن، ضرورت، مصادیق و جایگاه آن در جامعه مورد پرداخت و تبیین قرار نگرفته است، این

تحقیق، با توجه به خلأ موجود، در پی آن است تا با تبیین صبر اجتماعی براساس آموزه‌های قرآنی و اسلامی، گام اولیه را در راستای تربیت افراد و شهروندان صبورى که تضمین گر ثبات و ارتقاء هر جامعه‌ای هستند، بردارد.

تعریف صبر اجتماعی

برای صبر این معانی را آورده‌اند: «خویشتن‌داری در سختی و تنگی، شکیبایی و خودداری نفس بر آنچه که عقل و شرع حکم می‌کند و آن را می‌طلبد یا آنچه عقل و شرع، خودداری نفس از آن را اقتضا می‌کند» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۲، ۴۸۰).

اما از آیات قرآن می‌توان دو گونه برداشت از صبر داشت: صبر فردی و صبر اجتماعی. چنان که در آخرین آیه سوره آل عمران می‌خوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا﴾ (آل عمران/۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و نسبت به یکدیگر صابر باشید. در این آیه، ناظر به صبر فردی، و لفظ «صابروا» از آنجا که از باب مفاعله بوده و این باب برای نشان دادن ارتباط طرفینی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ۳۹۹)، ناظر به صبر جمعی و اجتماعی می‌باشد.

در کلام امام علی (علیه السلام) صبر فردی بر سه قسم است.^۴ صبر طاعت، صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت (ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱، ۵۶۷). صبر بر طاعت؛ یعنی بر سختی انجام طاعاتی که خداوند برای انسان معین کرده، مانند روزه، حج و... چنان که تمام پیامبران بر انجام آن صبر کردند. صبر بر معصیت؛ یعنی صبر و کناره‌گیری از معصیت‌هایی که دام شیطان برای انسان‌اند، مانند غیبت، دروغ، زنا و... آن گونه یوسف پیامبر (علیه السلام) صبر کرد. و صبر بر مصیبت؛ یعنی صبر بر مصیبت‌هایی که انسان در زندگی با آنها روبرو می‌شود، مانند بیماری، مرگ عزیزان و... مانند صبوری ایوب پیامبر (علیه السلام). اما صبر اجتماعی، صبری است که اختصاصاً در برخورد با انسان‌های دیگر و در جامعه انسانی رخ می‌نمایاند که

مصادیق و اقسام آن در ادامه مورد اشاره و تبیین قرار می‌گیرد.

مصادیق صبر اجتماعی

مصادیق صبر اجتماعی را می‌توان به دو عنوان کلی تقسیم کرد: صبر در برابر اجتماع، صبر در برابر مسائل اجتماع.

۱. صبر در برابر افراد اجتماع

بی‌شک سعادت انسان و جاودانگی هر جامعه‌ای در سایه اتفاق و اتحاد رقم می‌خورد و همه عقب‌ماندگی‌ها و جمود جامعه مولود تفرقه، اختلاف و عداوت افراد جامعه با یکدیگر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۳۵۳). بر این اساس است که خداوند متعال به صراحت انسان را از ستیز بر حذر می‌دارد و به شکیبایی فرامی‌خواند: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال/۴۶)؛ و با هم ستیزه نکنید که سست و بددل می‌گردید و تسلط و حکومتان از میان می‌رود و نسیم پیروزی بر شما نمی‌وزد، و شکیبایی کنید که همانا خدا با شکیبایان است.

با این وجود، نوع شکیبایی و صبوری انسان در برخورد با سایر هموعان متناسب با تفاوت هر یک از آنها متفاوت است. در این راستا می‌توان از دو نوع صبوری سخن گفت: صبوری مشفقانه و صبوری مصلحانه.

۱-۱. صبر مشفقانه

این نوع از صبر زمانی کاربرد می‌یابد که انسان پذیرفته باشد خالق باری تعالی همه انسان‌ها را به یک شکل و با استعداد و توان همسان نیافریده است. بعضی از انسان‌ها پرتوان، برخی کم‌توان، برخی ضعیف، برخی قوی، برخی شکیبیا و برخی بی‌شکیب‌اند. این تفاوت‌های فردی می‌طلبد که افراد ضمن پذیرش نقص و ضعف یکدیگر، از سر شفقت و مهربانی در برابر هم به صبوری بپردازند. از این رو است که خداوند متعال نیز انسان‌ها را به صبوری در برابر یکدیگر فرامی‌خواند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾
(آل عمران/ ۲۰۰).

علامه جوادی آملی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «صبرهایتان را با هم تبادل کنید، نه این که هر یک به تنهایی صبر کنید، زیرا صبر هر انسانی محدود است و برخی زود می‌رنجد و خسته می‌شوند، پس طبق فرمان (صابروا) انسان موظف است در کارهای اجتماعی با سایر هموعان خویش صبر کرده و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند، چنان که ضعف او نیز با صبر دیگران جبران خواهد شد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ۷۷۰).

در کار، مصابره به معنای روی هم قرار دادن صبرها، و با هم صبر کردن و کمک کردن به صبر دیگران و ترمیم ضعف‌های فردی با توان جمعی و ترمیم ناشکیبایی یکدیگر به حلم و بردباری خود است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ۷۷۱).

۲-۱. صبر مصلحانه

این نوع از صبر زمانی معنی می‌یابد که فرد در برابر عده‌ای قرار می‌گیرد که آگاهانه و خودخواسته به دنبال بهره‌کشی، دشمنی و آزار دیگران هستند. در این شکل از صبوری، به خلاف مورد قبل، شفقت و لطف فرد نیست که او را به صبوری در برابر این عده وامی‌دارد، بلکه این رویکرد، یعنی صبوری فرد، ناشی از مصلحت اندیشی اجتماعی است؛ مصلحتی که از امید به تغییر و اصلاح طرف مقابل و حفظ وحدت برمی‌خیزد. بر این اساس است که خداوند در سوره فصلت می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾ (فصلت/ ۳۴ و ۳۵)؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است. اما جز کسانی که دارای صبر و استقامت

هستند به این مقام نمی‌رسند، و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نائل نمی‌گردند.

﴿۱۶۵﴾

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌آورد: «اگر در داخل حوزه و جامعه اسلام، اختلاف و دشمنی راه یافت، نباید برادر مسلمان را که به ظاهر دشمن شمرده شده، از پا درآورد، بلکه لازم است دشمنی با وی را دفع کرد. دفع دشمن دشوار نیست، ولی از بین بردن دشمنی و روی کار آوردن مجدد دوستی، هنر فرزنانگان صالح است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۸۱).

البته ذکر این نکته نیز درباره این نوع از صبر ضروری است که صبوری در برابر این افراد و جریان‌ها، به معنی ظلم‌پذیری و با بی‌توجهی و غفلت نسبت به رفتار آنان نیست، صبر در برابر مخالفت‌ها و عداوت‌ها تا زمانی است که ظلمی صورت نگیرد و ادامه نیابد و صبوری با غفلت درنیا میزد و به مغلوب شدن منجر گردد. یعنی صبوری در برابر این افراد تا زمانی معنی دارد که رجاء به تغییر در رفتار و رویکرد آنان وجود داشته باشد و یا کارها و فعالیت‌های آنان مخل امنیت، وحدت و پیشرفت جامعه نباشد.

بر این اساس، در صبر برابر افراد اجتماع، انسان مکلف به صبر است تا وحدت بماند و اختلاف شعله‌ور نگردد؛ چرا که اختلاف از بدترین انواع عذاب برای جامعه انسانی است و پیامدهای شوم درونی و بیرونی را به دنبال دارد. پیامد درونی‌اش این است که هر لحظه احتمال دارد آتش جنگ و درگیری در جامعه شعله‌ور شود و همه هستی و سرمایه آن جامعه را به آتش بکشد. چنان که در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران آمده است: ﴿وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا﴾؛ شما در (اثر اختلاف) بر لبه گودالی از آتش بودید، پس خدا شما را از آن نجات بخشید. از این پرتگاه به نقطه امن و امانی که همان نقطه برادری و محبت بود رهنمون ساخت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۳۱۶).

پیامد بیرونی اختلاف این است که جامعه در اثر اختلاف و تفرقه قدرتش را از دست می‌دهد و در برابر دیگران ضعیف و سرخورده می‌شود: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا

فَتَفَشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۴۶)؛ با هم منازعه و درگیری نکنید آنگاه سست می شوید و قدرتتان از دست می رود، تعبیر به «تذهب ریحکم» اشاره لطیفی است به این که با نزاع و کشمکش هم قدرت جامعه از بین می رود و هم حیثیت و آبرویش.

علاوه بر این، در بستر آرامش، امنیت و وحدت حاصل از صبوری است که می توان به پیشرفت و تعالی جامعه امیدوار بود و چشم انداز جامعه را مثبت و رو به تعالی ارزیابی کرد.

اما تمام صبر اجتماعی در صبر برابر دیگران یا به عبارت دیگر در صبوری مشفقانه و مصلحانه خلاصه نمی گردد. در هر اجتماعی اهدافی منظور نظر قرار می گیرد که تحقق آنها نیازمند به کارگیری عنصر صبر است و یا ممکن است مسائل و چالش هایی در مسیر حرکت اجتماع پیش آید که جز با صبوری امکان حل و از پیش رو برداشتن آنها میسر نیست.

از آنجا که این نوع از صبر را نمی توان در دایره صبر در برابر افراد اجتماع قرار داد، این طریقه صبر را تحت عنوان صبر در برابر مسائل اجتماع می آوریم.

۲. صبر در برابر مسائل اجتماع

عمده افراد برای جامعه خویش افکار بزرگی در سر می پروراند و پیشرفت مادی و معنوی آن را می طلبند؛ چرا که این اعتقاد را به درستی دریافته اند که شرایط و موقعیت جامعه شان بر زندگی آنان نیز تأثیرگذار است.

به هر حال پیگیری اهداف مادی و معنوی برای اجتماع، با فراز و فرودهایی همراه است و این مسیر، مسیری سهل و هموار نیست. در این راه مسائل و مشکلاتی بروز و ظهور می یابد که یگانه گره گشای آن صبر است. یعنی اگر افراد در برابر این مسائل صبوری به خرج ندهند، کارها به سامان نمی رسد و اوضاع در جهت مثبت تغییر نکرده و بهبود نمی یابد.

در قرآن کریم از قوم بنی اسرائیل سخن به میان می آید، قومی که برای تحقق

هدف معنوی خود یعنی کسب عزت، آزادگی و... بر سختی رویارویی با فرعونیان شکیب ورزید و در نهایت هدف خود را محقق ساخت: ﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ (اعراف/۱۳۷)؛ ما مشرق‌ها و مغرب‌های پر برکت زمین را به آن قوم تضعیف شده واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل به خاطر صبر و استقامتی که نشان دادند، تحقق یافت و آنچه فرعونیان از کاخ‌های مجلل می ساختند و آنچه از باغات داربست دار فراهم ساخته بودند در هم کوبیدیم.

علامه جوادی آملی ضمن تأکید بر فضیلت صبر، درباره لزوم صبر در مسائل اجتماعی معتقد است: «جامعه‌ای که افراد آن برخوردار از صبر و اهل صبر باشند، خداوند برای رشد و تعالی و پیشرفت و شکوفایی‌شان به آنان مدد می‌رساند: ﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ (آل عمران/۱۲۵) (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۳۷۳).

بر این اساس، اگر در تک تک افراد در برابر مسائل جامعه و دشواری تحقق اهدافی که در جامعه پیگیری می‌شود، صبر نباشد، جامعه در دام رکود و سقوط می‌افتد. البته در طی این مسیر وظیفه برخی افراد دشوارتر و برخی سهل‌تر است. به عنوان مثال هیچگاه نمی‌تواند نقش رهبر و مدیر را با اعضای عادی جامعه یکی دانست؛ چرا که این فرد در نقش محوری خود علاوه بر الگو بودن برای سایر اعضا، وظیفه هدایت و راهبری را نیز عهده‌دار است. بنابر این باید در برابر مسائل اجتماع و پیگیری اهداف اجتماعی، اسوه صبر و امید برای سایرین باشد.

از این رو، افراد موظف‌اند در رویارویی با مسائل اجتماع شکیب ورزند، تا شاهد پیشرفت جامعه خود در جنبه‌های معنوی و مادی باشند، و به واسطه صبوری‌شان عزت، رفاه و پیشرفت را دریابند.

برای این نوع از صبر، یعنی صبر در برابر مسائل اجتماع، می‌توان مصادیقی ذکر کرد که به روشن شدن بیشتر موضوع بینجامد، این مصادیق در ادامه می‌آید.

۲-۱. صبر بر دشواری کار و فعالیت اجتماعی

هر فردی در اجتماع، تکلیف و وظیفه‌ای به عهده دارد؛ تکلیفی که گاه سنگینی آن انسان را به بی‌تابی و بی‌صبری کشانده و در او وسوسه ترک فعالیت را برمی‌انگیزد. در قرآن مصداق این نوع از صبر حضرت یونس علیه السلام است. این پیامبر الهی وظیفه داشت در برابر سختی کار هدایت و رهبری قوم خویش، مقاوم باشد و در جهت رشد معنوی آنها بکوشد، اما این گونه عمل نکرد. دشواری کار، صبر حضرت یونس علیه السلام را تمام کرد و او را به ترک جامعه‌اش واداشت: ﴿وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (انبیاء/ ۸۷)؛ ذو النون (حضرت یونس علیه السلام) را به خاطر آور، هنگامی که در حال خشم (از میان قوم خویش) رفت. این گونه پنداشت که ما بر او تنگ نمی‌گیریم (اما هنگامی که لقمه ماهی شد) در آن تاریکی (بطن ماهی) ندا کرد: (پروردگارا) خدایی جز تو وجود ندارد. تو پاک و منزّه می‌باشی. من از ستمکاران بودم (که از میان قوم خودم خارج شدم).

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه آورده‌اند: «یونس علیه السلام گمان می‌کرد تمام رسالت خویش را در میان قوم نافرمانش (مردم نینوا یا عراق کنونی) انجام داده است، در حالی که باید بیش از این در میان آنها می‌ماند و صبر و استقامت به خرج می‌داد و دندان بر جگر می‌فشرد تا شاید قومش بیدار شوند و به سوی خدا آیند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۱۸۵) و از جهالت خارج شوند.

بر این اساس اگر در برابر دشواری کار در راه رسیدن به اهداف اجتماعی، صبوری پیشه اعضای جامعه قرار نگیرد، و دشواری کارها افراد را به بی‌تابی و اعتراض بکشاند، اهداف محقق نمی‌گردد و جامعه از حرکت در جهت پیشرفت

و تعالی بازمی ماند و سرمایه و عمر افراد نابود می شود. امام علی علیه السلام در تعبیر زیبایی می فرمایند: «نقش صبر در کارها همانند نقش سر در بدن است. همچنان که اگر سر از بدن جدا شود، بدن از بین می رود، صبر نیز هرگاه همراه کارها نباشد، کارها تباه می گردند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ۹۰). و نیز می فرمایند: «هرگاه آدمی در کارها صبر نداشته باشد همه کارها از هم گسیخته می گردد» (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۵۱۹). در حدیثی نیز که از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده، ایشان ضمن توصیه به صبر می فرمایند: «خداوند صبر را پایه خوشبختی و وسیله نیل به هدف قرار داده است» (طبرسی، ج ۱، ۱۲۳۰).

۲-۲. صبر بر دوری اهداف اجتماعی

خداوند در آیه ۱۱ سورة اسراء، انسان را عجلول معرفی می کند: ﴿وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾، یعنی انسان عجله دارد که آنچه مد نظر او است و به آن علاقه دارد به سرعت تحقق یابد، اما این عجله برای رسیدن به نتیجه خصوصاً در مسائل و اهداف اجتماعی همیشه ممکن یا مطلوب نیست. مصداق این نوع از صبر را در درنگ و شکیب نوح پیامبر علیه السلام برای رسیدن به هدف متعالی خویش شاهد هستیم: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ (عنکبوت/۱۴)؛ به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او در میان آنها هزار سال به جز پنجاه سال (نهمصد و پنجاه سال) درنگ کرد.

حضرت نوح علیه السلام پیامبری بود که بیش از نهمصد و پنجاه سال در بین مردم ماند و به ارشاد و هدایت آنها پرداخت، چنین نبود که ایشان در کارش آزاد و رها باشد، بلکه قومش او را زجر می دادند و بازمی داشتند، اما او خسته نشد و نهمصد و پنجاه سال صبر و تحمل کرد (جوادی آملی، ج ۶، ۲۶۲)، تا عاقبت توانست عده‌ای را با خود همراه سازد و هدف اجتماعی خود را، که برپایی جامعه‌ای موحد بود، تحقق بخشد.

بسیاری از جوامع برای خود اهداف بلند مدت تعیین کرده یا آن را در سر می‌پروراند، این اهداف دور، شاید برخی را به این باور برساند که این اهداف دست نیافتنی و غیرواقعی‌اند و همین باعث می‌شود ایشان صبر خود را از دست داده و اهداف خویش را پی جویی نکنند و توانایی خود و مهم‌تر از آن لطف الهی را از یاد ببرند و مقطعی و روزمره فکر و برنامه‌ریزی کنند. این افراد به آن جایگاه و پیشرفتی که شایسته آنها است نرسیده و به عبارتی تمام امکانات بالقوه خود را بالفعل نمی‌سازند. در صورتی که اگر انسان‌ها صبر را پیشه خود سازند و ناامید نشده و سستی نورزند و دیگران را نیز به امید فراخوانند، به گفته امام علی علیه السلام قطعاً در تحقق اهدافشان موفق خواهند بود: «شخص صبور پیروزی را از دست نمی‌دهد و عاقبت به پیروزی می‌رسد، اگر چه زمانی طولانی بر او بگذرد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳). در جای دیگری می‌فرمایند: «با صبر، انتظار گشایش می‌رود و کسی که پیوسته دری را بکوبد (عاقبت) آن در به رویش باز می‌شود» (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۶۸، ۹۶).

۲-۳. صبر در برابر کمبودها و مشکلات در اجتماع

کمبودها و مشکلات همیشه بر سر راه جوامع وجود داشته و دارد. امر الهی به صبوری در برابر این سختی‌هاست: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقره/۱۷۷؛ نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق و (یا مغرب کنید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران، ایمان آورده و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند. این‌ها کسانی هستند که

راست می‌گویند (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و این‌ها پرهیزکاران هستند.

﴿۱۷۱﴾

حضرت باری تعالی در این آیه صفات نیکوکاران را برمی‌شمارد که یکی از آن صفات، صابر بودن آنهاست، و می‌فرماید کسانی صابرند که در «بأساء و ضراء و حین البأس» به صبوری پردازند. در تفسیر این سه واژه آمده است: «البأساء از بؤس به معنای فقر و سختی است که از خارج به انسان تحمیل می‌شود. الضراء، درد و بیماری است که از درون به انسان فشار می‌آورد و حین البأس زمان جنگ و جهاد است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۷۰). بر این اساس حضرت معبود امر به صبر می‌کند، در شرایطی که انسان به درد و گرفتاری دچار است، در شرایطی که سختی از بیرون فشار می‌آورد و در هنگامه‌ای که مبتلای به جنگ است.

سختی، نقص، کمبود، جنگ و درگیری و... ممکن است بر سر راه هر جامعه‌ای قرار گیرد و بر آن جامعه تحمیل شود. اگر بر این مسائل صبر صورت گیرد، یاری خداوند نیز به مدد می‌آید و عاقبت گشایشی حاصل می‌گردد. چنان که خداوند پیروزی و پیشرفت را به قوم طالوت به سبب بردباری‌شان عنایت کرده و به پیامبر اکرم ﷺ نیز وعده پیروزی به شرط برخورداری از صبر و امیدواری داد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (انفال/۶۵)؛ هان ای پیغمبر! تحریض کن مؤمنین را بر کارزار اگر از شما بیست نفر خویشتن‌دار و صابر یافت شوند بر دویست نفر غلبه می‌یابند و اگر از شما صد نفر باشند بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند غالب می‌شوند، به خاطر این که آنان مردمی هستند که نمی‌فهمند.

اما اگر اعضای جامعه در برابر مشکلات و سختی‌های تحمیلی صبور نباشند، باید تعالی و رشد جامعه‌شان را نادیده گرفته، انتظار روزها و شرایط بدتر را نیز

۲-۴. صبر در برابر دسیسه‌ها و فشار روانی دشمن

هیچ جامعه‌ای بی‌رقیب و دشمن نیست، بنابر این هیچ جامعه‌ای نیز از دسیسه‌ها در امان نیست. از دسیسه‌افزادی که به گفته قرآن: ﴿إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا﴾ (آل عمران/۱۲۰)؛ اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می‌کند و اگر حادثه ناگواری برای شما دهد، خوشحال می‌شوند.

اما امر خالق یکتا در برابر این دسیسه‌ها به صبوری است. بنابر این در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾ (همان)؛ اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزکاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی‌رساند، خداوند به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد.

تلاش دشمن دسیسه‌چینی او همیشه در این جهت است که جامعه در ضعف و رکود بماند. بدین منظور دشمن از حرب‌های مختلفی همچون کارشکنی، تبلیغات منفی و دلسرد کردن اعضای جامعه و... سود می‌برد، اما امر الهی در تمام این موارد به صبوری است: ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ (مزل/۱۰)؛ و در برابر آنچه می‌گویند صبر کن. توصیه به صبر و بردباری برای این است که هدف دشمن محقق نگردد، و جامعه از حرکت بازماند، و دشمن ناکام شود. در این رابطه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ حَلَّمَ عَنْ عَدُوِّهِ ظَفَرَ بِهِ» (کراجکی، ۱۴۷)؛ هر کس در مقابل دشمن بردبار باشد بر او پیروز می‌شود.

بر این اساس اگر افراد جامعه در برابر دشواری فعالیت در اجتماع، دوری اهداف اجتماعی، کمبودها و مشکلات و دسیسه‌ها و فشارهای روانی دشمن ایستادگی نکرده، به صبوری نپردازند، باید انتظار رکود، عقب افتادگی و دور شدن از اهداف را داشته و پیشرفت و تعالی جامعه و خودشان را به فراموشی سپارند و خویشتن را آماده سازند تا در برابر مشکلات ناشی از فقر، تحقیر،

شکست و عقب ماندگی لب فرو بسته و طاقت بیاورند.

نتیجه گیری

هر انسانی عضوی از جامعه و وابسته بدان است. هیچ شخصی نمی تواند ادعا کند که من هیچ بستگی با جامعه خود ندارم؛ چرا که اجتماعی بودن او فطری است و بخشی از هویت او نیز برخاسته از جامعه ای است که در آن عضویت دارد. جامعه ای که ثبات و پیشرفت آن به طور مستقیم بر امنیت، رفاه و شخصیت فرد تأثیر گذار است، همان طور که جمود، تشتت و عقب افتادگی آن بر وی مؤثر است. بر این اساس و با نگاه به اجتماعی بودن انسان، ضرورت ایجاب می کند که او برای زندگی در جامعه آموزش هایی ببیند و به فضایی آراسته شود تا نه تنها مشکل و باری بر دوش جامعه نشود، بلکه بارها را بردارد و مسیر رشد و ارتقاء جامعه را به وسع خویش هموار سازد. در این طریق، صبر از فضایل و ابزارهایی است که بسیار به کار می آید. این نوع از صبر را، که در زندگی اجتماعی انسان رخ نمایانده و کاربرد می یابد با عنوان صبر اجتماعی می توان یاد کرد که با تجلی یافتن در تک تک افراد جامعه، قوت و ترقی هر جامعه ای تضمین می گردد.

مصادیق صبر اجتماعی را می توان به دو عنوان کلی، صبر در برابر افراد اجتماع و صبر در برابر مسائل اجتماع، تقسیم کرد، صبر در برابر افراد جامعه، صبوری یکایک اعضای جامعه بر ضعف ها، کاستی ها و حتی عداوت های یکدیگر را می طلبد، و صبر در برابر مسائل اجتماعی، صبر اعضای جامعه بر سختی کار، دوری اهداف، دسیسه دشمنان و کاستی ها، برای پیشرفت و ارتقاءش را می خواهد.

با این اوصاف در صورتی که صبر اجتماعی مورد توجه و پرداخت قرار گیرد و افراد از طریق تعلیم و تربیت از ضرورت، مصادیق و ثمره آن آگاه، و برای آن مهم تربیت شوند، در آن هنگامه که جامعه برای ثبات و ارتقاء خویش، صبوری

اعضایش را می‌طلبید، افراد جامعه قادر خواهند بود با درک ضرورت مزبور به صبوری بپردازند و مصمم و استوار مسیر صحیح نیل به اهداف متعالی را در پیش گیرند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف/۳۵)
۲. «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد/۲۴)
۳. «وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان/۱۷)
۴. الصبر: إما صبر على المصيبة، أو على الطاعة، أو عن المعصية.
۵. «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۵۰).

منابع و مآخذ

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *اسلام و محیط زیست*، قم، مؤسسه اسراء.
۲. ----- (۱۳۸۸)، *تفسیر تسنیم*، ج ۷ و ۱۶، قم، مؤسسه اسراء.
۳. ----- (۱۳۸۹)، *جامعه در قرآن*، قم، مؤسسه اسراء.
۴. ----- (۱۳۸۹)، *سیره پیامبران در قرآن*، ج ۶، قم، مؤسسه اسراء.
۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۳۷۲)، *مفردات الفاظ قرآن*، ج ۲، به کوشش سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی.
۶. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ج ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. طبرسی، احمد (۱۳۸۱)، *احتجاج*، ترجمه بهزاد جعفری، تهران، اسلامیه.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، تهران، انتشارات فراهانی.
۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۰. کراچکی، محمد بن علی (۱۳۶۹)، *کنز الفوائد*، قم، مکتبه المصطفوی.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، *کافی*، ج ۲، تهران، اسلامیه.
۱۲. مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۸)، *بحار الانوار (الایمان و الکفر)*، ترجمه عزیزالله عطاردی، ج ۱، تهران، عطارد.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵)، *میزان الحکمه*، ج ۱، قم، دارالحديث.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامی.